

چگونه می‌توان منبران کیفیت را از بین نبرد؟!

این در حالی است که رقابت‌های آموزشی در سال‌های اخیر، باعث شده‌اند که بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان، از تابستان آن طوری که انتظار می‌رود، استفاده نکنند و باز هم در فضاهای رسمی و منجر به آزمون و ارزشیابی رسمی، اوقات خود را بگذرانند و در مهرماه، با روح و جسمی خسته و بی‌استراحت و بدون داشتن وقت کافی برای بازتاب بر آن‌چه که آموخته بودند و آموزش داده بودند، به مدرسه قدم نهند و به طور جمعی، به تنش‌ها و اضطراب‌ها و گاهی دلزدگی‌های خود بیفزایند. و سؤال اینجاست که چرا به طور مستمر، از ارتقای کیفیت و کمیت یادگیری دانش‌آموزان صحبت می‌شود و به‌طور مستمر، از معلمان انتظار می‌رود که با قرار دادن خود در کلیشه‌های تجویزی، باعث این ارتقا شوند؟! با وجودی که یافته‌های پژوهشی این حوزه، افزون و افزون‌تر می‌شود و سازوکارهای جدیدی برای آموزش‌های قبل و ضمن خدمت معلمان ریاضی ابداع می‌شود. اما در عالم واقع، انگار نه انگار که این حوزه، چنین ویژگی‌هایی دارد و گاهی تصور می‌شود که با عقد قرارداد با یک معلم ریاضی، ارتقای کمیت-نمره- و کیفیت- که معلوم نیست چه هست- موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان آنها تضمین می‌شود. در حالی که یافته‌های تحقیقی، مدت‌هاست که بر بی‌اثری و بی‌ثمری چنین روش‌هایی به صراحت، تأکید نموده‌اند. برای آشنایی بیشتر خوانندگان محترم و سخت‌کوش مجله که عمدتاً معلمان ریاضی

در دو دهه اخیر، نظریه‌پردازی‌های متنوع و قابل تأملی در حوزه آموزش معلمان ریاضی انجام شده است. علت اصلی این امر هم این است که به دلایلی که بارها به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفته‌اند، ریاضی یکی از دروس ضروری، الزامی و پرفراز و فرود مدرسه‌ای است و موفقیت دانش‌آموزان در آن، به عوامل بسیاری وابسته است که از جمله مهم‌ترین آنها، عوامل فراشناختی و عاطفی و روان‌شناسانه هستند. به‌طور مثال می‌توان به باور، انگیزه، خود-باوری، عزت‌نفس، خود-کارآمدی، اعتمادبه‌نفس، خود-تنظیمی، عشق، نفرت، ترس، هیجان، اضطراب و اطمینان اشاره نمود. با این اوصاف، طبیعی است که تدریس ریاضی، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد و آموزش معلمان آن، مستحق تلاش‌های نظری و عملی بسیار است. چرا که هدف تدریس، یادگیری است و در رابطه با ریاضی، این یادگیری تنها با پیروی از قواعد و مقررات آموزشی و استفاده از روش‌های تدریس کلیشه‌ای و قالبی امکان‌پذیر نیست. این ویژگی باعث شده است که معلمان ریاضی به‌طور مستمر، هم در طول سال تحصیلی و هم در تابستان- به شرط داشتن فراغت لازم از تدریس و وظایف معلمی- آموزش‌های معنادار و متکی بر یافته‌های جدید آموزشی ببینند. بدین سبب، تابستان زمان مناسبی برای تجدید قوای آموزشی معلمان و یادگیری‌های غیر رسمی و خارج از کلاس- اما به شدت ضروری دانش‌آموزان به حساب آمده است.

و آموزشگران ریاضی هستند، این اطلاعات احتمالاً تکراری است زیرا خود آنها از جمله طرف‌های چنین قراردادهایی در سال تحصیلی گذشته بوده‌اند. اما بعضی اوقات، بیان چیزی که اکثراً می‌دانند لازم است زیرا معلمان، با وضوح بیشتری متوجه حساسیت‌های حرفه‌ای خود می‌شوند. این آشنایی، کمک می‌کند تا با هم، برای ارتقای حرفه‌ای خود و ارتقای معنادار کیفیت یادگیری دانش‌آموزان چاره‌اندیشی کنیم و با طرح سؤال‌های مناسب، واقع‌بینی نسبت به آموزش معلمان ریاضی را افزایش دهیم و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را معنا کنیم.

برای این که بحث در سطح انتزاعی باقی نماند، مثالی عینی می‌زنم. در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ که به پایانش رسیدیم، چند بخشنامه به معلمان و مدارس داده شد که دغدغه آنها، افزایش کیفیت و کمیت نمره ریاضی دانش‌آموزان متوسطه به‌خصوص در رابطه با کتاب‌های درسی تازه تغییر یافته بود. مثلاً عنوان یکی از این بخشنامه‌ها (فرم شماره ۱) این بود:

”عقد قرارداد فی‌مابین مدیر مدرسه و دبیران محترم دوره متوسطه نظری و مهارتی“ که در آن، ضمن تشکر از «زحمات همکاران محترم» تصریح شده بود که «از جناب‌عالی انتظار می‌رود در سال تحصیلی جاری، اهتمام لازم را در درس‌های ذیل که جناب‌عالی عهده‌دار تدریس آنها می‌باشید به‌عمل آورده تا میانگین نمرات و درصد قبولی دروس طبق جدول زیر افزایش یابد... «و در جدول ارائه شده، قید شده است که «میانگین دروس مورد توافق (حداقل ۲ نمره) در سال ۹۰-۸۹» و «درصد قبولی مورد توافق (حداقل ۵/۰) در سال ۹۰-۸۹» و در انتهای فرم، محلی برای امضای مدیر دبیرستان و دبیر و درج تاریخ گذاشته شده است.

در برگه دیگری، عنوان قرارداد این است:

«قرارداد ارتقای سطح کیفی و کمی آموزش و رشد میانگین نمرات دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری» و «قرارداد مدیر با دبیران»

سپس در این قرارداد، پس از تذکار جانگداز در رابطه با افت تحصیلی آمده است: «نظر به اینکه خسارات ناشی از افت تحصیلی (مردودی پایه اول، تأخیر در فارغ‌التحصیلی سال سوم و پیش‌دانشگاهی) همه‌ساله هزینه‌های جبران‌ناپذیری را

بر دستگاه آموزش و پرورش و خانواده‌های محروم جامعه وارد می‌سازد، معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش در همین راستا و به‌منظور جبران بخشی از خسارات ناشی از این افت، با اداره کل آموزش و پرورش استانها و به تبع آن، اداره کل آموزش و پرورش نیز با شهرستان‌ها، نواحی و مناطق و همچنین اداره آموزش و پرورش منطقه با این دبیران قرارداد کاهش افت و ارتقاء سطح کیفی دانش‌آموزان را منعقد نموده است... .

لذا به‌موجب این قرارداد؛ شاخص‌های آموزشی مورد انتظار در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به شرح ذیل به‌حضور اعلام می‌گردد...» که از جمله آن شاخص‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«با به‌کار بستن برنامه‌های آموزشی متنوع و مؤثر در کلاس درس از جمله: پرسش‌های مستمر، استفاده از طرح درس روزانه، استفاده از کارگاه IT و نرم‌افزارهای آموزشی در تدریس و همچنین تجهیزات کمک‌آموزشی و آزمایشگاه‌ها و...، زمینه توسعه کیفی امر آموزش فراهم گردد.»

نکته اصلی فراموش شده در این توصیه‌ها و ابداع سازوکارها، معلم است که کلید حل این ماجراست.

انواع این فرم‌ها و دستورالعمل‌ها، شباهت‌های زیادی به تلاش‌های انجام‌شده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی برای ماشینی کردن تدریس و محدود کردن اختیارات معلمان دارد. تلاش‌هایی که خوشبختانه هیچ‌وقت به ثمر نرسید و در تقابل با آن تلاش‌ها، نظریه‌پردازی‌های اشاره شده در مورد چرایی و چگونگی آموزش ثمربخش معلمان انجام شد. اما مطالعات نسل جدید نشان داد که معلم تحت چنین شرایط محدودکننده‌ای، نمی‌تواند به آموزش با کیفیت پردازد و بندهای فشارهای بیرونی برای افزایش کمیت یا نمره، فرصت ابداع و خلاقیت و توسعه حرفه‌ای معنادار معلمان را از آنها گرفته است.

چنین توصیه‌هایی در کوتاه‌مدت، ممکن است معلمان را عمل‌گرا کند تا برای حفظ موقعیت خویش در مدرسه، امضای چنین قراردادهایی را بپذیرند، اما در میان‌مدت، معلمان به آموزش‌هایی درگیرانه، ثمربخش، عمیق و رشد‌یابنده نیازمند هستند. تنها از این طریق است که می‌توان امیدوار بود که کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ارتقا یابد. اما کیفیت چیزی نیست که بتوان از قبل، میزان آن را تعیین نمود!